

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده هنر

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نقاشی

عنوان

نقش و رنگ در ایل قشقایی

استاد راهنما:

خانم دکتر پریسا شادقزوینی

استاد مشاور:

خانم دکتر پاکزاد

دانشجو:

دلارام حبیبی

اسفند ماه ۱۳۸۶

۴۶۸۱۳

مجوز اطلاعات در کتابخانه
سینما مرکز

۱۳۸۷ / ۲ / ۷

فهرست تصاویر

چکیده

مقدمه

فصل اول (ویژگیهای مردم شناسانه ایل قشقایی) ۱

وجه تسمیه و سابقه تاریخی ۲

الف- وجه تسمیه ۲

ب- سابقه تاریخی ۳

جمعیت ایل قشقایی ۶

سردسیر ، گرمسیر و ایل راه ۷

طبقه‌بندی ایلی ۸

الف - بنکو bonku ۸

ب - بیله beyla ۸

ج - طوایف و تیره های ایل قشقایی ۹

ساخت قدرت ۱۱

مساکن ایل قشقایی ۱۲

الف - چادر ۱۲

ب- خانه های روستایی ۱۲

اقتصاد مردم قشقایی ۱۳

الف - کشاورزی ۱۳

ب - دامداری ۱۳

کوچ و فلسفه کوچ نشینی ۱۴

خصوصاتی در مورد کوچ ایل قشقایی ۱۵

فرهنگ و مناسبت‌های مختلف در ایل ۱۶

فصل دوم..... ۲۳

۲۴..... بررسی و طبقه بندی آثار هنری در ایل

۲۴..... قالی :

۳۷..... گبه :

۳۸..... نقوش گبه

۳۹..... گلیم و جاجیم بافی

۴۰..... جاجیم بافی

۴۰..... بافته های رند « چرخ » شیشه درمه :

۴۰..... چنتنه :

۴۰..... تیردان :

۴۱..... نمکدان یا توبره نمک :

۴۱..... جوال :

۴۱..... طناب بافی :

۴۱..... چیق بافی :

۴۲..... رنگرزی

فصل سوم..... ۴۴

۴۵..... نقشپردازی

۵۳..... گروه نخست: نقشهای اشکالی

۵۳..... ویژگی های نقش اشکالی

۵۴..... پیوند با نقشهای باستانی

۵۶..... نگاره های فنا ناپذیر

۵۷..... ترنج و میان ترنج قشقایی

۵۹..... مراحل انتقالی نقشمایه میان ترنج

۶۵..... نشان ساسانی

۶۷..... مرغ و درخت:

۶۸..... نگاره مرغی و کله مرغی:

۷۷	گل هشت پر
۷۷	نیلوفر آبی یا نخل بادبزنی
۷۸	گل شطرنجی
۷۸	رشته های پیوند
۸۰	گروه دوم: نقشهای منظم و پیوسته
۸۰	ویژگیهای نقشهای منظم
۸۲	نقش ناظم
۸۵	منشاء نقش ناظم
۹۲	قانون طراحی ناظم
۹۷	حلقه مفقوده ناظم
۹۸	تطور عناصر ناظم
۱۰۰	ثبات حاشیه ناظم
۱۰۲	نقش محرّمات
۱۰۳	نقش ماهی درهم
۱۰۴	رنگ آمیزی
۱۳۸	نتیجه گیری
۱۴۱	فهرست منابع و مآخذ
۱۴۳	فهرست منابع لاتین:
۱۴۴	گزارش کار عملی

فهرست تصاویر

- ۱- تصویر شماره ۱ ← ص ۱۰۸
- ۲- تصویر شماره ۲ ← ص ۱۰۸
- ۳- تصویر شماره ۳ ← ص ۱۰۹
- ۴- تصویر شماره ۴ ← ص ۱۰۹
- ۵- تصویر شماره ۵ ← ص ۱۱۰
- ۶- تصویر شماره ۶ ← ص ۱۱۱
- ۷- تصویر شماره ۷ ← ص ۱۱۱
- ۸- تصویر شماره ۸ ← ص ۱۱۲
- ۹- تصویر شماره ۹ ← ص ۱۱۲
- ۱۰- تصویر شماره ۱۰ ← ص ۱۱۳
- ۱۱- تصویر شماره ۱۱ ← ص ۱۱۳
- ۱۲- تصویر شماره ۱۲ ← ص ۱۱۴
- ۱۳- تصویر شماره ۱۳ ← ص ۱۱۴
- ۱۴- تصویر شماره ۱۴ ← ص ۱۱۵
- ۱۵- تصویر شماره ۱۵ ← ص ۱۱۵
- ۱۶- تصویر شماره ۱۶ ← ص ۱۱۶
- ۱۷- تصویر شماره ۱۷ ← ص ۱۱۶
- ۱۸- تصویر شماره ۱۸ ← ص ۱۱۷
- ۱۹- تصویر شماره ۱۹ ← ص ۱۱۷
- ۲۰- تصویر شماره ۲۰ ← ص ۱۱۸
- ۲۱- تصویر شماره ۲۱ ← ص ۱۱۹
- ۲۲- تصویر شماره ۲۲ ← ص ۱۲۰
- ۲۳- تصویر شماره ۲۳ ← ص ۱۲۱

- ٢٤- تصوير شماره ٢٤ ← ص ١٢٢
- ٢٥- تصوير شماره ٢٥ ← ص ١٢٣
- ٢٦- تصوير شماره ٢٦ ← ص ١٢٤
- ٢٧- تصوير شماره ٢٧ ← ص ١٢٥
- ٢٨- تصوير شماره ٢٨ ← ص ١٢٦
- ٢٩- تصوير شماره ٢٩ ← ص ١٢٧
- ٣٠- تصوير شماره ٣٠ ← ص ١٢٨
- ٣١- تصوير شماره ٣١ ← ص ١٢٩
- ٣٢- تصوير شماره ٣٢ ← ص ١٣٠
- ٣٣- تصوير شماره ٣٣ ← ص ١٣١
- ٣٤- تصوير شماره ٣٤ ← ص ١٣٢
- ٣٥- تصوير شماره ٣٥ ← ص ١٣٣
- ٣٦- تصوير شماره ٣٦ ← ص ١٣٤
- ٣٧- تصوير شماره ٣٧ ← ص ١٣٥
- ٣٨- تصوير شماره ٣٨ ← ص ١٣٦
- ٣٩- تصوير شماره ٣٩ ← ص ١٣٧

چکیده

در این پروژه سعی شده به بررسی نقوش و رنگها در هنرهای دستی ایل قشقایی، که یکی از بزرگترین ایلهای ایران است و سابقه تاریخی زیادی دارد بپردازیم و ضمن مطالعه و تحقیق درباره تاریخ نقشها و رنگها، سیر تحول و تکمیل آنها را در این ایل بررسی کنیم. برای نیل به این هدف از مطالعه متون و کتب موجود به روش توصیفی و تطبیقی و مطالعه موقعیت جغرافیایی و آشنایی نزدیک با فرهنگ و سنن این ایل در حال حاضر از روش میدانی استفاده شده، همچنین برای مطالعه سیر نقوش از تصاویر موجود از هنر ایلی به خصوص قالیبافی، حدود ۸۰٪ نمونه های موجود در کتب مصور مربوطه استفاده شده است، آنچه از تجزیه و تحلیل آثار هنری ایل و به خصوص فرشبافی ایل که نمونه تمام عیار هنر قشقایی است منتج میشود، چنین است که نقوش به کار رفته در هنرهای دستی این قوم، چون فرهنگی غنی، سینه به سینه و نسل به نسل تا به امروز منتقل شده و تداوم یافته، محققان اصل و منشاء پیدایش این نقوش را منطقه ای حوالی قفقاز می دانند که اصلیت مردم این ایل به آنجا نسبت داده می شود. اما آنچه اهمیت دارد تطبیق یافتن این هنر است با فرهنگ سرزمین ایران و یا حتی به طور مشخص تر، مناطقی که محل استقرار و یا مسیر کوچ این عشایر است.

ایل قشقایی بار فرهنگ غنی خود را هر ساله به دوش کشیده و در مسیر دشتهای این مرز و بوم به حرکت در آورده و در طول این مسیر خصوصیات و هنرهای مناطق محل عبور را گرفته و در خود حل کرده، تا امروز به چنین گنجینه گرانبهایی از نقشها و رنگهای اسرارآمیز و خیال انگیز دست یافته. نقوش قشقایی نقوشی است انتزاعی، خیال انگیز، گاه تزئینی و اغلب در خدمت بیان مفاهیم اعتقادی - آیینی و حتی گاه به عنوان سحر افزار در جهت رسیدن به اهداف خاص مثل طلب باران. این گنجینه نقش چنان پر بار و غنی است که بازتاب تمامی افکار و اعتقادات و فرهنگ ایل را میتواند در آن باز جست. درباره رنگها در آثار هنری ایل می توان گفت هنرمند قشقایی اضافه بر آنچه از هنر قدما به میراث برده، بسیار تحت تأثیر محیطی است که در آن زندگی می کند. زندگی در طبیعت و گذر از مناطق خوش آب و هوا باعث میشود از رنگهای شاد و زنده که به روشهای طبیعی و از طبیعت تهیه میشود استفاده کند. البته باید این مطلب را اضافه کرد که استفاده از رنگ کاملاً آگاهانه بوده و به حسب تجربه، ترکیب بندیهای رنگی، بسیار شکیل و زیبا هستند، البته در نحوه کاربرد رنگ این مطلب قابل ذکر است که هنرمند قشقایی، تحت تأثیر باورهای مذهبی و فرهنگی این مرز و بوم از رنگهایی که

در فرهنگ ما بار معنایی خاص و ماورائی دارد مانند رنگهای فیروزه ای، قرمز لاکه، اناری و غیره به
طور آگاهانه استفاده کرده است.

مقدمه

از آنجا که هنر ایل اصولاً در خدمت، ابزار و کاربرد است که البته این مسأله چیزی از اهمیت نقشپردازی و دقت و ظرافت و قدرت خلاقیت اثر در جریان خلق هنری، کم نمی کند. شایان ذکر است که در میان هنرهای قشقایی، آنچه حائز اهمیت بیشتری است و در شناخت عناصر و سیر تحول آنها بسیار کمک رسان و مؤثر است، دستبافتهای ایل است که مهمترین و برجسته ترین هنر ایل محسوب می شود.

برای بررسی و تحقیق در دستبافتهای عشایری ایل قشقایی، ابتدا هنرهای دستی و به عبارتی دستبافتهای ایل را به گروه های کلی تقسیم می کنیم که این تقسیم بندی بدین قرار است:

◀ قالی

◀ گبه

◀ گلیم و جاجیم بافی

◀ جوال

◀ طناب بافی

◀ چیق بافی

ویژگیهای هر کدام از این هنرها در فصل دوم تشریح شده و در آخر این فصل به تعریف و تشریح رنگ و چگونگی استفاده آن در ایل پرداخته شده.

در فصل سوم، به بررسی نقوش استفاده شده در هنر قشقایی پرداخته می شود. و سپس به طور مفصل تری به ویژگیهای بصری هر نقش، منشاء و مبداء پیدایش آن تا سیر تحول و تکامل آن در طول تاریخ و نهایتاً شکل امروزی آن پرداخته شده است. لازم به توضیح است که از آنجا که قالی کاملترین و مهمترین هنر ایل است و بقیه هنرها به گونه ای ساده تر و موجز تر از همان نقشهای قالی استفاده می کنند، توجه اصلی این پروژه بر ویژگیهای نقش و رنگ در قالی است و از آنجا که در مبحث رنگ جز در زمینه تعداد و نوع رنگهای استفاده شده از یک طرف و نحوه تهیه این رنگها از طرف دیگر، جای زیادی برای تحقیق و مطالعه نیست و برعکس به جهت تنوع و فراوانی نقوش دستبافتهای خصوصاً قالی، بررسی جامع تری درباره نقوش و نگاره ها در صنایع دستی ایل انجام شده است..

در این راستا نقشمایه های هنر قشقایی را به ده گروه اصلی تقسیم کرده و به ترتیب اهمیت و وفور استفاده آنها به صورت مجزا به هر کدام پرداخته می شود.

این ده گروه نقش مایه عبارتند از:

الف-نگاره های مرغی و کله مرغی

ب-نقشمایه های گیاهی

پ-نگاره های بته ای

ت-نقوش جانوری

ج-نقوش گل

چ-نقوش ستاره

ح-شکل های شطرنجی

خ-نقش های دندانه داربرگ/ماهی سان

د-آرایه های چهاربازویی میانه ترنجها

در قسمت آخر این رساله نتیجه حاصل از تجزیه و تحلیل این نقشها آورده شده که هر چند دانشی است اندک، اما تلاشی در جهت شناخت گوشه ای از فرهنگ هنری مملکتیمان ایران بوده است. فرهنگ و هنر غنی ایل قشقایی یکی از فرهنگهای پر سابقه تاریخی کشورمان است که همچنان به حفظ و استمرار ارزشهای هنری خود پرداخته است، امید است که مطالعه و پژوهشهای بصری آثار هنری این ایل الهامبخش هنر امروز ایران باشد و راه گشای ایده های نوینی برای آیندگان.

فصل اول

(ویژگیهای مردم شناسانه ایل قشقایی)

وجه تسمیه و سابقه تاریخی

الف- وجه تسمیه

بنا به روایت بزرگان ایل قشقایی که سینه به سینه نقل گردیده است. برای نخستین بار نام قشقایی از اسم "جانی آقا قشقایی" از صاحب منصبان شاه عباس که به سرپرستی ایلات و عشایر و حکومت منطقه فارس مأمور می شود، مأخوذ گردیده است. (۱۶۲۹-۱۵۸۵ میلادی ۱۰۰۸-۹۶۶ ه. ق.)
نصرت الله فتحی که در سال ۱۳۲۳ شمسی به عنوان مأمور و نماینده وزارت دارایی به استان فارس رفته است در باب وجه تسمیه قشقایی می نویسد: "برای وجه تسمیه قشقایی چند روایت است اما اخیراً از یک تن پیرمرد شیرازی مطلبی شنیده ام که برایم تازگی دارد و آن این است که قشقایی در بدو امر "قاچ قویی" یا "قاچ قوی" بوده یعنی بگذار و فرار کن و تدریجاً از کثرت استعمال "قشقایی" شده است و به همین جهت بین سایر ایلات شیراز خاصه بویراحمدی ها معروف است که "ترک پاشنه ندارد"..... یعنی استقامت نمی کند و می گذارد و فرار می کند.^۱

میرزا حسن فسایی صاحب فارسنامه ناصری درباره نام قشقایی معتقد است که کلمه ریشه ای این نام، واژه ترکی "قاچ قایی" به معنای گریخته بوده است و در این باره چنین می نویسد: "چون ایل خلج از اراضی ممالک روم به خاک عراق عجم آمدند گروهی از آنها فرار کرده در مملکت فارس توقف نمودند و مردمان خلج این گروه را قاچ قایی گفتند یعنی گریخته و بعد از تغییرات لفظی قشقایی شد".
هنری فیلد، دانشمند مردم شناس می نویسد: "روایت بر این است که در موقع حمله مغول وقتی ترکمنها به ایالت عراق عجم رسیدند، گروهی از آنان فرار کردند و در فارس مستقر گردیدند و ترکمنها این گروه یعنی آنهايي که فرار کرده اند نامیده اند (قشماک، یعنی فرار کردن) بعداً تغییر و تحول در تلفظ، نام آنها قشقایی شد."^۲

قاشقه، در گویش ترکی به چهار پایان مخصوصاً به اسبی که در پیشانی نشان سفید داشته باشد، گفته می شود. در جغتایی، قاشقه به وسیله ای گفته می شود که در هنگام جنگ به پیشانی اسبها می بستند. همانطور که اسامی بعضی از ایلها همانند آق قویونلو، قراقویونلو و دولو به نام یکی از چهار پایان اهلی منسوب است، از این رو نام قشقایی نیز از واژه قشقا که ترکان به اسب پیشانی سفید

^۱ افساری سیستانی، ایرج، ایلها، جادرنشینها و طوایف عشایری ایران، ۱۳۸۱، ص ۶۱۲

^۲ همان مأخذ، ص ۶۱۳

می گویند گرفته شده است. از آنجا که در میان روستاییان آذربایجان به فرد بی باک، دلیر و جسور، قاشقا میگویند و از طرفی می توان در زبان ترکی حرف الف را در بعضی کلمات وارد و از بعضی کلمات خارج نمود. بنابراین قاشقا، قشقا و قشقه هر سه درست و یکی هستند.

در کتاب خلاصه عباسی، میرزا مهدی خان استرآبادی در معنی کلمه قاشقه چنین آمده است: " قاشقه حیوانی پیشانی سفید است و قاشقه اختاجی در پیش مغول، امیر آخور اسبان پیشانی سفید بود. "

با توجه به مراتب بالا می توان گفت ایل قشقایی که امروز در فارس ساکن و به زبان ترکی صحبت می کنند اصلاً از ترکمانان دشت قبچاق و آن حدود بوده که بعدها به نواحی بین هندوستان و سیستان کوچ کرده و از آنجا به عراق عجم راه یافته و بالاخره برای همیشه در فارس اقامت نموده اند.

ب - سابقه تاریخی

ناصر خان قشقایی رئیس سابق ایل قشقایی درباره تاریخچه ایل گفته است: "اسناد کتبی در دست نداریم اما آنچه سینه به سینه به ما رسیده است اینکه اجداد ما به دنبال چنگیزخان که در سایه جنگهای خویش لقب جنگهانگشای، گرفت و فرمانفرمای آسیا شد آمده اند. ابتدا در دامنه های جبال قفقاز استقرار یافتند اما اندکی بعد به حوالی اردبیل نقل مکان کردند. از نژاد ترکند و از اولاد طایفه " آق قویونلو" یعنی صاحب گوسفند سفید. تنها ایلی که توانست سپاه تیمور را بشکند همین ایل بود. چند قرن پس از آن شاه اسماعیل صفوی از ایل استمداد کرد تا جنوب ایران را حفظ کند و نگذارد پرتقالیهها مراکز تجاری تأسیس نمایند و به داخل ایران راه یابد به این جهت ایل در مکان فعلی مستقر گشت. "

در تاریخ ایران، تا پیش از روی کار آمدن سلسله صفویه، از حضور قشقاییان مدارک مستندی وجود ندارد، ولی طایفه ای ترک زبان به نام فارسیمدان در منطقه فارس زندگی می کرده اند، از این رونمی توان باور داشت که مردم قشقایی به صورت یک واحد کلی ایلی ترک زبان به شکل امروزی خود به فارس کوچ کرده باشند بلکه این مهاجرت در طی دوران بعد به تدریج صورت گرفته است.

^۱ افشاری سیستانی، ایرج، ایلهها، چادر نشینها و طوایف عشایری ایران ۱۳۸۱، ص ۶۱۶

^۲ همان مأخذ، همان ص ۶۱۶

بهر حال حرکت آرام و تدریجی طوایف پراکنده قشقایی (که بعدها به این نام خوانده شدند) به منطقه فارس، که از حدود ۶۰۰ سال پیش آغاز شده بود، نزدیک به سه قرن و تا اواخر دوره زندیه ادامه یافت.

شاه عباس صفوی (۱۶۲۹-۱۵۸۷ میلادی، ۱۰۰۸-۹۶۶ شمسی)، جانی آقا قشقایی نامی را به حکومت ایلات منطقه فارس مأمور نمود. جانی آقا پس از این انتصاب تا آنجا که توانست در راه ایجاد یک اتحاد سیاسی به ظاهر مستحکم کوشش کرد و توانست همه ساله خراجهای جمع آوری شده را به دربار صفویه به اصفهان بفرستد.

وحدت ایل قشقایی به همت و تدبیر جانی آقا قشقایی امکان پذیر شد که ظاهراً نام ایل مأخوذ از کنیه نیای او "امیر قاضی شاهلو قشقایی" است.

نادرشاه این اتحادیه را در هم ریخت و گروهی از مردم ایل قشقایی را به خراسان کوچاند که با به قدرت رسیدن کریم خان زند، همگی به موطن اصلی خود (فارس) بازگشتند. از اواخر حکومت زندیه، ایل قشقایی تحت سرپرستی "جانی خان" از اعقاب جانی آقا قشقایی که در سال ۱۲۳۴ هجری قمری از سوی فتحعلی شاه قاجار به لقب ایلخانی مفتخر شده بود، به صورت یک نیروی سازمان یافته و با نفوذ درآمد که در امور سیاسی و نظامی جنوب ایران منشأ اثر بود.

در سال ۱۲۳۶ هجری قمری میان ایل قشقایی و بختیاری نزاعی در گرفت. از این رو فتحعلی شاه قاجار، امیر محمد قاسم خان ظهیر الدوله داماد خود را به منظور پایان دادن به این جنگ و صلح بین آنان مأمور فارس نمود.

قشقاییان در جنگ هرات و لشکرکشی انگلیس به جنوب ایران (۱۲۷۴ هجری قمری) مردانه ایستاده و دلیرانه جنگ کردند.

ایلخانان قشقایی به تدریج قدرتی به هم زدند و در مواردی منافع دولت انگلیس را در فارس به خطر انداختند، تا اینکه در اثر فشار آن دولت، مورد بی مهری و غضب ناصرالدین شاه قرار گرفته و سران ایلات خمسه را در مقابل آنان تقویت کردند.

پس از قتل ناصرالدین شاه، سهراب خان و داراب خان از سران مشهور ایل قشقایی می باشند که هر از گاهی به قوای انگلیسی مستقر در جنوب ایران شبیخون زده و تلفات غیر قابل جبرانی به آنان وارد می ساختند.

پس از داراب خان پسر او اسماعیل خان که به " صولت الدوله " سردار عشایر معروف بود به ایلخانی و ریاست ایل قشقایی منصوب می گردد. وی مردی شجاع ، مدیری کاردان و سیاستمدار باهوشی بود، صولت الدوله در جنگ بین الملل اول ، علیه انگلیسی ها و وابسته های آنان در فارس مبارزات پی گیری را رهبری می کرد که در تاریخ محلی استان فارس از ارزش ویژه ای برخوردار است. خلع رضاشاه پهلوی در سال ۱۳۲۰ شمسی = ۱۹۴۱ میلادی و حضور قوای خارجی در ایران و تضعیف دولت مرکزی ، به روسای ایلات از جمله ایل قشقایی فرصت داد که در تحکیم موقعیت خویش بکوشند و ذخیره کافی از سلاح و مهمات از طریق غیر مستقیم به دست آورند ، از این رو ایلخان قشقایی که در تبعید به سر می برد به فارس بازگشت و باردیگر ایل قشقایی به قدرت رسید و مقام اجتماعی و سیاسی گذشته خود را به دست آورد و در سال ۱۳۲۲ شمسی = ۱۹۴۳ میلادی به سرپرستی ناصرخان قشقایی سر به شورش برداشت و از دولت خواست که املاک و دارایی ایل را که در زمان رضاشاه به عنوان گوشمالی از آنان گرفته شده بود به ایشان بازگرداند.

دولت، سپاهی برای سرکوب ایل مذکور به منطقه فرستاد . قوای دولتی در سال ۱۳۲۲ از ایل قشقایی به سختی شکست خورد. به دنبال این جنگ ، دولت مرکزی از طریق مذاکره با سران ایل قشقایی توانست با آنان توافق نماید. در پی توافق قشقاییان دست از شورش برداشتند و موقتاً منطقه آرام گردید .

این موضع تا سال ۱۳۲۹ شمسی ۱۹۵۰ میلادی که دولت مرکزی در فکر تحکیم قدرت خود برآمد ، برقرار بود ، تا سرانجام در ستاد ارتش ، سازمانی به نام دایره مستقل ایلات به ریاست سرهنگ عبدالمجید کافی بوجود آمد و در نتیجه امور داخلی ایل قشقایی نیز همانند دیگر ایلات به دست قوای دولتی افتاد و تحت ریاست سرهنگ ۲ پیاده رضاقلی اقدسی شیرازی ، رئیس شعبه ایلات ناحیه جنوب، رسماً اداره می شد.

شورایعالی عشایر ایران نیز در اول آبان ماه سال ۱۳۳۲ شمسی تشکیل گردید و بالاخره در سال ۱۳۳۵ شمسی ۱۹۵۶ میلادی ، مقام ایلخان ، ایل بیگی و کلانتر ، رسماً از سوی حکومت ملغی ، اعلام گردید و به دنبال آن بسیاری از خوانین و کلانتران بازداشت و تبعید شدند .

جمعیت ایل قشقایی

از سال ۱۸۴۴ میلادی ۱۲۲۳ شمسی جمعیت ایل قشقایی بنا به مناسباتی توسط افراد و

سازمانهای مختلف به شرح زیر محاسبه و برآورد گردیده است.^۱

لیدی شل. سال ۱۸۴۴ میلادی = ۱۲۲۳ شمسی ۳۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ خانوار
لرد کرزن سال ۱۸۷۱ میلادی = ۱۲۵۰ شمسی ۶۰۰۰۰ خانوار
لرد کرزن سال ۱۸۹۱ میلادی = ۱۲۷۰ شمسی ۲۵۰۰۰ خانوار
سایکس سال ۱۹۳۰ میلادی = ۱۳۰۹ شمسی ۱۳۰۰۰۰ نفر
دکتر مسعود کیهان سال ۱۹۳۲ میلادی = ۱۳۱۱ شمسی ۳۷۶۳۰ خانوار
احمد احتسابیان سال ۱۹۳۶ میلادی = ۱۳۱۵ شمسی ۵۵۰۰۰ خانوار
هنری فیلد سال ۱۹۳۸ میلادی = ۱۳۱۷ شمسی ۳۳۰۴۵ خانوار
حسین کسبایان سال ۱۹۶۲ میلادی = ۱۳۴۱ شمسی ۳۰۰۰۰ خانوار
سازمان ملی یونسکو سال ۱۹۶۳ میلادی = ۱۳۴۲ شمسی ۲۳۱۶۴ خانوار
محمد حسن سهامی سال ۱۹۷۳ میلادی = ۱۳۵۲ شمسی ۳۴۸۰۳ خانوار
فرهنگسرای نیاوران سال ۱۹۷۹ میلادی = ۱۳۵۸ شمسی ۱۴۱۰۰۰ خانوار
سازمان امور عشایر سال ۱۹۸۱ میلادی = ۱۳۶۰ شمسی ۲۸۷۰۶ خانوار
جهاد سازندگی فارس سال ۱۹۸۲ میلادی = ۱۳۶۱ شمسی ۱۳۷۵۲ خانوار

^۱ همان مأخذ، ص ۶۲۳

سردسیر ، گرمسیر و ایل راه

ایل قشقایی دارای دو منطقه سردسیری است، نخست منطقه بین شیراز و دشت ارژن تا پیرامون کازرون می باشد، دو دیگر در شمال شرقی شیراز واقع شده که از اردکان فارس تا مرزهای کهگیلویه و از شمال آباد تا قمشه (شهر رضا) ادامه می یابد و به سرحد بزرگ معروف است.

گرمسیر ایل قشقایی در گذشته از مناطق کم ارتفاع جلگه ای و پست جنوب شرقی فارس (لار ، جهرم ، فیروزآباد ، کازرون تا حدود بهبهان و گناوه) تشکیل می شده ولی امروز گرمسیر آنان به بیش از دو برابر وسعت یافته است.

با آغاز نوروز حرکت ایل به سوی مراتع سرسبز شروع می شود (در این زمان زاد و ولد دامها نیز تمام شده است). آنان در هر روز به مدت پنج شش ساعت حرکت می کنند. مدت زمان کوچ آنان بطور متوسط حدود ۲۰ روز به طول می انجامد و در هر روز ۱۲ کیلومتر راه طی می شود. برخی از طوایف و تیره ها مدت زمان کوچ آنان بیشتر طول خواهد کشید ، چنانکه کوچ تیره ای از طایفه دره شوری حدود شش هفته طول می کشد. زیرا طولانی ترین ایل راه در ایل قشقایی مربوط به تیره مزبور است که حدود ۹۲۰ کیلومتر به ثبت رسیده است. هنگامی که به سرحد می رسند ، چادرها را برپا می کنند و در همین زمان است که عشایر قشقایی به جای زراعت به بافتن قالی ، جاجیم ، گلیم و دیگر هنرهای دستی می پردازند. عروسی ها معمولاً در این زمان انجام می گیرد. مدت زمانی که در بیلاق می مانند به طور متوسط ، نیمه اردیبهشت ماه به سردسیر آمده و حدود چهار ماه در آنجا توقف نموده، سپس با فرا رسیدن پاییز ، کوچ بازگشت آغاز می شود و به سوی گرمسیر حرکت می کنند و به طور متوسط بیش از پنج ماه و نیم در قشلاق به سر می برند.

قشقاییان در گرمسیر فقط با شهرهای کازرون و فیروزآباد که از قدیم مرکز اقامت زمستانی ایل بوده ، در تماس هستند و مرکز عمده آنان کازرون است. در سردسیر نیز شهرهای آباد و شهرضا از مراکز مبادلات عشایر به شمار می رود. علاوه بر شهرهای مذکور مراکز بزرگ دیگری در مسیرشان قرار دارد که بخش مهمی از مبادلات آنان در آنجا صورت می گیرد ، مانند سپیدان (اردکان) در مسیر نواحی سردسیر طوایف کشکولی و سمیرم از مراکز مناطق بیلاقی عشایر دره شوری و عمله می باشد.

قشقاییان همچنین با مراکزی همانند فراشبند ، قیر ، کارزین، چنار شاهینجان (در منطقه گرمسیر) و بروجن (در منطقه سردسیر) داد و ستد دارند.

طبقه‌بندی ایلی

ایلی قشقای از شش شاخه : دره شوری ، شش بلوکی ، کشکولی بزرگ ، کشکولی کوچک ، عمله و فارسیمدان تشکیل گردیده است ولی در ساختمان ایلی هر یک از شاخه های مزبور را اصطلاحاً " طایفه " می نامند .

هر طایفه از چندین تیره و هر تیره از چندین بنکو یا ایشوم و هر بنکو از شاخه هایی به نام بیله و هر بیله از چند خانوار تشکیل شده است . بنابراین ساختمان سنتی ایلی ، از ایل تا خانوار به صورت زیر طبقه بندی شده است :

ایلی ← طایفه ← تیره ← بنکو (ایشوم) ← بیله ← خانوار

چون در بخشهای که آمد ، تعریف مربوط به ایل ، طایفه ، تیره و خانوار یادآوری شد لذا در اینجا به تشریح اصطلاحات دیگری که در ساختمان ایل قشقای وجود دارد می پردازیم .

الف - بنکو bonku

بنکو ، از اجتماع چند سیاه چادر در منطقه محدودی به نام یورت که در داخل مرتع مستقر می شوند تشکیل گردیده است . افراد مستقر در این واحد اغلب خویشاوند و در مسایل مربوط به دامداری و کشاورزی با هم توافق نزدیک دارند : قشقایبان علاوه بر اصطلاح بنکو واحدهای اجتماعی خو را آبه ، بولک و یا ایشوم می نامند . کلیه افراد ساکن در بنکو از تیره خاصی بوده و دارای نیای مشترک هستند ، مرتع آنان مشترک و تصمیمات ایشان نیز مشترک است . بنکو واحدی اقتصادی و هم اجتماعی به شمار می رود .

سرپرست هر بنکو ریش سفید نامیده می شود که از بین افراد همان بنکو انتخاب شده و کلیه مسایل مربوط به بنکو را زیر نظر دارد .

ب - بیله beyla

بیله ، کوچکترین واحد اجتماعی در سلسله ساخت سنتی ایلی است که از گردهم آیی چند خانوار خویشاوند تشکیل می گردد ، در بعضی از طایفه های قشقای بنکوها به شاخه های متعددی به نام "بیله" تقسیم می گردند.

بیله واحد اساسی تعاون زراعی و دامداری را تشکیل می دهد و از لحاظ فعالیت‌های روزمره از اهمیت بسیاری برخوردار است زیرا که واحدی از افراد به وجود می آورد که هنگام کوچ توأمأ حرکت کرده ، یاری و همکاری های مفیدی را سبب می شود .

آخرین رده ایلی طوایف کشکولی کوچک ، کشکولی بزرگ و دره شوری ، بنکو می باشد و دارای بیله ای نیستند اما طوایف فارسیمدان و عمله دارای بیله های اندکی (حدود ۱۳ درصد کل بیله های ایل) می باشد ولی طایفه شش بلوکی بیش از ۱۸۰ بیله (۸۷ درصد کل) است .

ج - طوایف و تیره های ایل قشقایی

(۱) طایفه دره شوری

دره شوری یکی از طوایف نیرومند و مشهور ایل قشقایی است که طبق آخرین آمار دولتی (۱۳۶۰) دارای ۶۴ تیره و ۵۱۶۹ خانوار (۲۷۳۹۶ نفر) بوده است .

تعدادی از مردم این طایفه تخته قاپو گردیده و بقیه هم در حال اسکان می باشند ، امرار معاش آنان از گله داری و زراعت غلات است . منطقه سردسیر آنان پیرامون سمیرم ، دردشت ، خسروشیرین ، سوليجان ، سمیرم علیا ، قورته ، سیاه و کلک سمیرم و کرم آباد است گرمسیرشان دوگنبدان ، حسین آباد ، سرمشهد ، جره ، خشت ، باشت و بابوئی ، ممسنی ، گوراسپید ، هفت دشت ماهور ، کوهمره توران ، کوه براق ، بشارگان ، کوه سرخ ، پیرامون کازرون ، هفت دشت ، پیر سرخ باشت ، کوه سیاه و قره دشت براق است . مهمترین تیره های این طایفه عبارتند از: کیخایی ، خانی ، جانبازلو ، شبانکاره ، بهرام کیخایی ، چهار پنجه ، ایمانلو ، چهار پنجه نره ای ^۱ .

(۲) - طایفه عمله

طایفه عمله یکی از بزرگترین طوایف ایل قشقایی است که در زمان ایلخانی " صولت الدوله " (پدر ناصرخان و خسروخان قشقایی) برای رسیدگی به کارهای شخصی ایلخان ، جمع آوری حق مالکانه ، رسیدگی به امور کشاورزی ، گله داری و تنظیم امور ایلی از تیره های مختلف ایل قشقایی و سران آنها تشکیل گردید . طایفه عمله یا عمال اجرای دستورات و فرمانهای ایلخانی بزرگ ، با اینکه اکنون سمت و وظایف قبلی خود را از دست داده است هنوز هم به اسم "عمله" خوانده می شود.

^۱ همان مأخذ ص ۶۲۸